

مقایسه عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر شاهد

با دانش آموزان پسر واجد و فاقد پدر در

مدارس ابتدایی اهواز

کارمشرکی از:

بهنام مکوندی - دکتر بهمن نجاریان

دکتر حسین شکرکن و فاطمه لیامی

معرفی مقاله

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، منجر به شهادت عده زیادی از عزیزان این مملکت، آسیب رساندن به خانواده‌ها، بروز مشکلاتی در وضعیت تحصیلی، روحی و عاطفی فرزندان آنها گردیده است. بررسی این آثار منفی و یافتن راه‌های مناسبی برای رفع مشکلات و موانع احتمالی، نیازمند انجام تحقیقات دقیق و منظم علمی می‌باشد. لذا شایسته است در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه عملکرد تحصیلی فرزندان شهدا تحقیقات جامع و گسترده‌ای صورت گیرد تا حمایت‌های مادی و معنوی ارائه شده از طرف جامعه (به‌ویژه بنیاد شهید) به فرزندان شاهد ارزیابی شود. پژوهش حاضر، گامی است برای نيل به این هدف، که کار مشترکی است از آقایان دکتر بهمن نجاریان، دکتر بهنام مکوندی، دکتر حسین شکرکن و خانم فاطمه لیامی اعضای محترم هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز. با تشکر از آنها که این تحقیق را در اختیار فصلنامه تعلیم و تربیت قرار داده‌اند امید است که این کار مقدمه‌ای باشد بر تحقیقات بیشتر در زمینه راه‌یابی مناسب در جهت رفع مشکلات فرزندان عزیز خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی.

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر شاهد با دانش‌آموزان پسر غیرشاهد واجد و فاقد پدر، در مدارس شاهد و مدارس عادی اهواز صورت گرفته است. ۹۰ دانش‌آموز شاهد مدارس شاهد، ۹۰ دانش‌آموز غیرشاهد مدارس شاهد، ۹۰ دانش‌آموز واجد پدر مدارس عادی و ۹۰ دانش‌آموز فاقد پدر مدارس عادی. تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد از نظر عملکرد تحصیلی برتری معنی‌داری نسبت به سه گروه دیگر دارند، ولی هیچگونه تفاوت معنی‌داری بین عملکرد تحصیلی سه گروه دیگر دیده نشد. علل و عوامل احتمالی مؤثر در تفاوت‌های ملاحظه‌شده بین گروه‌ها، براساس متون روان‌شناسی و نتایج این تحقیق مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است.

مقدمه

تحقیقات انجام‌شده در کشورهای غربی

محققین در مورد این که مادر یا پدر کدامیک بیشترین تأثیر را بر روابط آینده نوزاد می‌گذارد، اختلاف نظر دارند. بولی^۱ (۱۹۸۵) روابط مادر - نوزاد را به مثابه پیش‌الگوی تمامی روابط بعدی فرد معرفی می‌کند. در صورتی که در نظر میرلو^۲ (۱۹۶۸) پدر پل رابطه بین کودک و دنیای وسیع بیرونی بوده و الگویی برای بسیاری از روابط اجتماعی بعدی وی خواهد شد. از نظر سولیوان^۳ (۱۹۷۲) عدم همدلی پدر با فرزند مذکر موجب می‌شود که وی وابستگی شدیدی نسبت به مادر خود پیدا کند.

کریسمین^۴ (۱۹۶۵) دریافت که نمرات دانش‌آموزان فاقد پدر در مدارس ابتدایی به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از کودکان خانواده‌های عادی بود. پاریش^۵ و تیلور^۶ (۱۹۷۹) گزارش کردند که مطالعات مربوط به از دست‌دادن پدر، بیانگر وجود برخی مشکلات آموزشی در فرزندان این قبیل خانواده‌ها هستند، هترینگتون^۷ و پارک^۸ (۱۹۷۵) ادعا کردند بچه‌هایی که پدرشان را از دست داده‌اند، مشکلات بیشتری در رابطه با انجام تکالیف مدرسه دارند. استلر^۹ (۱۹۵۹) نشان داد، دانش‌آموزانی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کردند نسبت به دانش‌آموزان تک‌والدینی از هوش بالاتری برخوردار بودند و پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند. ساترلند^{۱۰} (۱۹۳۰) در مطالعه رابطه غیبت پدر با کنشهای شناختی فرزندان، نتیجه می‌گیرد که نمره‌های هوشی کودکان دارای پدر به‌طور معنی‌داری بالاتر از نمره هوشی کودکان فاقد پدر بود. بسیاری از این مطالعات براساس مقایسه بین پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده‌های تک‌والدینی که به علت طلاق یا مرگ پدر، کودک با مادر خود زندگی می‌کند بوده است و نتایج نشان می‌دهند، فرزندان خانواده‌های عادی از نظر پیشرفت تحصیلی به‌طور معنی‌داری برتر از فرزندان خانواده‌های تک‌والدینی بودند.

(چاپمن ۱۱، ۱۹۷۷؛ اشمن ۱۲ و مانوسوتیز ۱۳، ۱۹۷۶؛ پاریش و دوستال ۱۴، ۱۹۸۰؛ پاریش و نیلور، ۱۹۷۹؛ ساتروک ۱۵، ۱۹۷۲).

بلانکار ۱۶ و بیلر ۱۷ (۱۹۷۱) در تحقیقی بر روی ۴۴ دانش آموز پسر کلاس سوم که دارای هوش متوسط و از طبقات کارگر یا پایین تر بودند، عملکرد ضعیف تر کودکان فاقد پدر را در مقایسه با کودکان واجد پدر و مادر در مهارتهای مربوط به خواندن و درک محتوایی ملاحظه نمودند. بین ۱۸، بوراز ما ۱۹ و چاپمن (۱۹۸۳) نشان دادند دانش آموزان فاقد پدر در زمینه خواندن به طور معنی داری پیشرفت کمتری نسبت به گروه واجد پدر داشتند و پسران بدون پدر نیز به طور معنی داری در املا و لغات و ریاضیات نسبت به دختران بدون پدر عملکرد پایین تری داشتند.

گریگوری ۲۰ (۱۹۶۵)، یک گروه نمونه دبیرستانی را در مینه سوتای آمریکا مورد مطالعه قرار داد و چنین نتیجه گرفت که دانش آموزان واجد هر دو والد، در مقایسه با دانش آموزان تک والدینی، به نسبت بسیار بیشتری فارغ التحصیل شده اند. در همین راستا، مشخص شد که غیبت پدر در سنین بین صفر تا چهار سالگی، اثرات سوء کمتری نسبت به غیبت وی در سنین میان پنج تا نه سالگی برای فرزندان دارد. برخی از محققین چون اسمیت ۲۱ (۱۹۶۹)، نلسن ۲۲ و مک کابین ۲۳ (۱۹۶۶)، کالیتز ۲۴ (۱۹۶۹)، هرزوک ۲۵ (۱۹۷۴) و چاپمن (۱۹۷۷) اظهار می دارند که غیبت پدر موجب کاهش عملکرد ریاضی به خصوص در فرزندان پسر می شود. در همین راستا اسمیت (۱۹۶۸) معتقد است که آثار تحصیلی محرومیت از پدر در پسران بیشتر از دختران نمودار می باشد.

از سوی دیگر، کورتز ۲۶ و فلمینگ ۲۷ (۱۹۶۸) نشان دادند که هیچ اختلاف هوشی معنی داری در میان سیاه پوستان کلاس چهارم که از نظر اقتصادی در آمد پایین داشتند و در دو گروه دارای پدر و بدون پدر تقسیم شده بودند وجود ندارد. در همین رابطه، هرزوک و سودیا ۲۸ (۱۹۷۳) ضمن بررسی تحقیقاتی که قبل از سالهای ۱۹۶۹ انجام شده بود، نتیجه می گیرند که شواهد موجود فرضیه آثار نامطلوب غیبت پدر بر زشد شناختی کودک را تأیید نمی کند. از آنجایی که کلیه تحقیقات یاد شده در جوامع غربی انجام گرفته اند، بنابراین تعمیم نتایج آنها به زمینه های فرهنگی - اجتماعی ایران به راحتی مقدور نمی باشد.

تحقیقات انجام شده در ایران

از سال ۱۳۶۰ تا کنون تحقیقات متعددی در ایران (به ویژه در خوزستان) انجام شده است. بهزادی (۱۳۶۵) در بررسی وضعیت تحصیلی گروهی از فرزندان شهدا در دوره راهنمایی در مدارس شیراز نشان داد که وضعیت تحصیلی پسران شاهد ضعیف تر از دختران شاهد است و گذشت زمان (طول مدت شهادت) و وضعیت شغلی پدر در موفقیت و شکست تحصیلی فرزندان شاهد اثر چندانی نداشته است.

سپهوندی، شکرکن، لیامی و مراقی (۱۳۶۶) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مسایل و مشکلات تحصیلی، رفتاری (شخصیتی)، خانوادگی و اجتماعی فرزندان معظم شهدا، اسرا، مفقودین و جنبازان شهرستان اهواز»، یک نمونه ۳۰۰ نفری در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را مورد مطالعه قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج زیر را مشهود ساخت:

در مقاطع تحصیلی دبستان و راهنمایی ۳۸/۹ درصد دختران و ۳۰/۸ درصد پسران و در مقطع تحصیلی دبیرستان ۵۳/۹ درصد دختران و ۴۳/۵ درصد پسران پس از شهادت پدر دچار افت تحصیلی شده بودند. همچنین در زمینه علاقه‌مندی به ادامه تحصیل، نتایج این تحقیق نشان داد که در مقطع ابتدایی ۱۹ درصد پسران و ۲۲/۵ درصد دختران، در مقطع تحصیلی راهنمایی ۱۳/۵ درصد پسران و ۲۷/۸ درصد دختران و در مقطع تحصیلی دبیرستان ۲۱/۷ درصد پسران و ۷/۷ درصد دختران، علاقه‌مند به ادامه تحصیل بودند. با توجه به اینکه پژوهش سپهوندی و همکاران (۱۳۶۶) گروه کنترل نداشته، یافته‌های آنها باید با احتیاط بیشتری تفسیر شود؛ چرا که ممکن است مسایل و مشکلات ملاحظه شده در عملکرد تحصیلی فرزندان شاهد، تحت تأثیر عوامل دیگری غیر از متغیر مورد ادعا (یعنی عدم حضور پدر) نیز باشد.

مکارمی، خدارحیمی، پورعوض و همکاران (۱۳۷۰) عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد و غیرشاهد را در مقاطع تحصیلی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی مدارس شاهد و مدارس عادی مورد بررسی قرار داده و به نتایج ذیل دست یافتند:

- ۱- پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان غیرشاهد به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان شاهد در هر دو مقطع تحصیلی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی است.
- ۲- بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی مدارس شاهد و دانش‌آموزان شاهد این مدارس تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شاهد پراکنده در مدارس عادی بیشتر از دانش‌آموزان عادی مدارس عادی بود.
- ۴- پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی مدارس عادی به‌طور معنی‌داری کمتر از دانش‌آموزان عادی مدارس شاهد بود.
- ۵- بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان مدارس عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) در تحقیقی تحت عنوان اثرات از دست‌دادن پدر روی سلامتی روانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شاهد اهواز نشان دادند که معدل تحصیلی دانش‌آموزان شاهد به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد است و بین طول مدت غیبت پدر با معدل تحصیلی همبستگی معنی‌داری

ندیدند. همچنین، ملاحظه شد که هیچگونه تفاوت معنی‌داری بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان غیر شاهد مدارس عادی وجود ندارد.

فرضیه‌های تحقیق

در تحقیق حاضر، فقدان پدر به عنوان متغیر مستقل اصلی و عملکرد تحصیلی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر چهار گروه نمونه وجود دارند (دانش آموزان شاهد مدارس شاهد، دانش آموزان غیر شاهد مدارس شاهد، دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی، دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی)، فرضیه‌های ذیل مورد آزمایش واقع شدند.

۱ - دانش آموزان پسر شاهد در مقایسه با دانش آموزان پسر فاقد پدر مدارس عادی عملکرد تحصیلی پایین تری دارند.

۲ - دانش آموزان پسر شاهد در مقایسه با دانش آموزان پسر غیر شاهد مدارس شاهد عملکرد تحصیلی پایین تری دارند.

۳ - دانش آموزان پسر شاهد در مقایسه با دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی عملکرد تحصیلی پایین تری دارند.

۴ - دانش آموزان پسر فاقد پدر مدارس عادی در مقایسه با دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی عملکرد تحصیلی پایین تری دارند.

۵ - دانش آموزان پسر غیر شاهد مدارس شاهد در مقایسه با دانش آموزان پسر فاقد پدر مدارس عادی عملکرد تحصیلی بهتری دارند.

۶ - دانش آموزان پسر غیر شاهد مدارس شاهد در مقایسه با دانش آموزان پسر واجد پدر مدارس عادی عملکرد تحصیلی بهتری دارند.

شیوه تحقیق

آزمودنیها

برای انتخاب آزمودنیها، از روش نمونه‌برداری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. ۹۰ دانش آموز شاهد از میان دانش آموزان چهار مدرسه ابتدایی پسرانه شاهد اهواز (از هر پایه تحصیلی سوم، چهارم و پنجم، ۳۰ نفر) به عنوان گروه آزمایشی انتخاب شدند. ۹۰ دانش آموز غیر شاهد مدارس شاهد از میان چهار مدرسه شاهد اهواز که از سال اول تا مقطع کنونی، در مدارس شاهد مشغول تحصیل بوده‌اند و واجد پدر و مادر بودند، انتخاب شدند. برای انتخاب دانش آموزان واجد و فاقد پدر مدارس عادی، ده مدرسه به صورت تصادفی از نواحی سه گانه آموزش و پرورش اهواز انتخاب شد. ۹۰ دانش آموز واجد پدر و ۹۰ دانش آموز فاقد پدر که مادر آنان در قید حیات بود (از هر پایه تحصیلی سوم x چهارم و

پنجم، ۳۰ نفر) انتخاب شد. دانش آموزان شاهد و فاقد پدر مدارس عادی به طور تصادفی از میان کسانی انتخاب شدند که مادرانشان ازدواج مجدد نکرده بودند. جهت جمع آوری اطلاعات لازم در زمینه‌های تحصیلی و شخصی - خانوادگی، فرم ویژه‌ای توسط محققین تهیه و مورد استفاده قرار گرفت.

تحلیل داده‌ها و نتایج

نتایج تحلیلهای آماری انجام شده روی داده‌ها در دو بخش ارائه شده است:
الف) تحلیل آماری یافته‌های توصیفی، ب) تحلیل آماری یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها.

الف - تحلیل آماری یافته‌های توصیفی

مقایسه میانگین و انحراف معیار معدل تحصیلی دانش آموزان گروههای مختلف، نشان می‌دهد که معدل تحصیلی دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد در پایه‌های اول تا پنجم از معدل تحصیلی سایر گروهها بیشتر است. (به جدول شماره ۱ مراجعه شود).
انحراف معیار معدل تحصیلی دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد در تمام پایه‌های تحصیلی از سه گروه دیگر کمتر می‌باشد. (جدول شماره ۲).

میانگین و انحراف معیار نمره‌های دروس مختلف پایه‌های تحصیلی دانش آموزان چهارگروه، حکایت از این مطلب دارد که در هر چهار گروه نوعی سیر نزولی در میانگین نمرات از کلاس اول تا پنجم وجود دارد و دانش آموزان شاهد و دانش آموزان واجد پدر و فاقد پدر مدارس عادی در چهار درس تاریخ و تعلیمات مدنی، ریاضیات، جغرافیا و علوم تجربی، نسبت به سایر دروس ضعیفتر هستند و این ضعف در پایه‌های تحصیلی چهارم و پنجم محسوس تر می‌باشد.

توزیع فراوانی سطح تحصیلات والدین گروههای مختلف روشن ساخت که فراوانی میزان تحصیلات دیپلم به بالا در میان اولیای دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد از سایر گروهها بیشتر است: (سطح تحصیلات پدر: دیپلم ۳۶ نفر (۴۰ درصد)، فوق دیپلم ۹ نفر (۱۰ درصد)، لیسانس ۱۷ نفر (۱۸/۹ درصد)، فوق لیسانس و بالاتر ۳ نفر (۳/۳ درصد)، و تحصیلات مادر: دیپلم ۴۰ نفر (۴۴/۴ درصد)، فوق دیپلم ۹ نفر (۱۰ درصد)، لیسانس ۴ نفر (۴/۴ درصد) وجود دارد.

توزیع فراوانی مشاغل مادران گروههای مختلف نشان می‌دهد که بیشترین شغل خانه‌داری را مادران دانش آموزان شاهد مدارس شاهد با ۷۵ نفر (۸۳/۳ درصد) و کمترین میزان را مادران دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد با ۵۵ نفر (۶۱/۱ درصد) دارا هستند، بیشترین شغل کارمندی را مادران دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد ۲۹ نفر (۳۲/۲ درصد) و کمترین میزان مربوط به دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی با ۴ نفر

(۴/۵ درصد) می‌باشد. در مشاغل پدر با بیشترین شغل کارگری را پدران دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی با ۱۳ نفر (۱۴/۳ درصد) و کمترین را، پدران دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و فاقد پدر مدارس عادی با ۵ نفر (۵/۶ درصد) دارا هستند. بیشترین شغل کارمندی متعلق به پدران دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد با ۶۷ نفر (۷۴/۴ درصد) و کمترین میزان متعلق به دانش آموزان شاهد مدارس شاهد با ۸ نفر (۸/۹ درصد) و دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی با ۸ نفر (۸/۹ درصد) می‌باشد.

(ب) تحلیل آماری یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

تحلیل واریانس عاملی (۳×۴)، گروه‌ها (پایه‌های تحصیلی) مشخص نمود که تفاوت بین معدل پایه‌های مختلف تحصیلی در گروه‌های چهارگانه و اثر متقابل بین گروه‌ها و پایه‌های تحصیلی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد: گروه‌ها

$$(F = 11/37 \text{ \< } P < 0/05; [3 \text{ و } 712])$$

و گروه‌ها × پایه‌های تحصیلی ($F = 8/82 \text{ \< } P < 0/05$) (به جدول شماره ۳ مراجعه شود). آزمون توکی نشان داد که معنی‌داری F ناشی از بیشتر بودن معدل تحصیلی دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد از سه گروه دیگر بوده است (به جدول شماره ۴ مراجعه شود). در رابطه با پایه پنجم، معدل تحصیلی دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد فقط از دانش آموزان فاقد و واجد پدر مدارس عادی بیشتر بود. این یافته‌ها فرضیه‌های ۲، ۵ و ۶ تحقیق را تأیید و فرضیه‌های ۱، ۳ و ۴ را رد می‌کند (به جداول شماره ۳ و ۴ مراجعه شود).

نمودار شماره ۱ اثر متقابل رتبه‌ای مربوط به معدل تحصیلی پایه‌های تحصیلی گروه‌های مختلف را نشان می‌دهد. در هر سه پایه تحصیلی ترتیب رتبه‌ها یکسان است، یعنی دانش آموزان پسر غیرشاهد مدارس شاهد در سه پایه تحصیلی سوم، چهارم و پنجم دبستان از سه گروه دیگر یعنی دانش آموزان شاهد مدارس شاهد، دانش آموزان فاقد پدر دانش آموزان واجد پدر وضعیت بهتری دارند. میانگین دانش آموزان شاهد از دانش آموزان فاقد و واجد پدر مدارس عادی بیشتر است و میانگین دانش آموزان فاقد و واجد پدر خیلی به هم نزدیک می‌باشد. اما تفاوت بین میانگین دانش آموزان شاهد و دانش آموزان فاقد و واجد پدر براساس تحلیل واریانس عاملی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نشان نمی‌دهد.

در رابطه با دفعات تجدیدی و مردودی گروه‌های مختلف پایه‌های تحصیلی اول تا پنجم، دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد فراوانی کمتری نسبت به سایر گروه‌ها نشان می‌دهند و در کل تنها در پایه تحصیلی سوم ۶ تجدیدی در بین این دانش آموزان دیده می‌شود و در سایر پایه‌های تحصیلی هیچ تجدیدی و مردودی ملاحظه نشد. در پایه تحصیلی اول، دوم، سوم و چهارم دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی به ترتیب به ۸ نفر

(۸/۸ درصد)، ۲۳ نفر (۸/۹ درصد)، ۲۶ نفر (۴۷/۲ درصد) و ۸۶ نفر (۷۶/۴ درصد)، بیشترین فراوانی تجدیدی را در چهار گروه دارند، و در کلاس پنجم، دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی با ۳۵ نفر (۸/۸ درصد) تجدید بیشترین تجدیدی را در بین گروهها دارند. از نظر سابقهٔ مردودی دانش آموزان واجد پدر در پایه‌های تحصیلی اول، دوم و سوم بیشترین فراوانی مردودی در بین گروهها به ترتیب با ۱۵ (۱۴/۳ درصد)، ۱۰ (۹/۹ درصد) و ۵ (۵/۵ درصد) سال مردودی دارند و در سال پنجم با دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی با ۹ سال (۹/۹ درصد) سابقه مردودی دارا هستند.

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، ضرایب همبستگی بین معدل پایه‌های مختلف تحصیلی و طول مدت شهادت یا فوت پدر در دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی محاسبه شد. به‌طور نمونه، این ضریب همبستگی در دانش آموزان شاهد پایهٔ اول در سطح $P = 0/01$ معنی‌دار بود ($r = 0/40$). به‌عبارتی هر چه طول مدت شهادت پدر بیشتر باشد معدل تحصیلی کمتر می‌شود. برای دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی بالاترین ضریب همبستگی در پایه اول با ($r = -0/50$) و کمترین ضریب همبستگی در پایه تحصیلی سوم با ($r = -0/22$) بدست آمد (به جدول شماره ۵ مراجعه شود).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهد مدارس شاهد با دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد، دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی و دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی بود.

نتایج آزمونهای تحلیلی واریانس، آزمونهای توکی و ضرایب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که دانش آموزان شاهد با دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی از نظر عملکرد تحصیلی در مجموع تفاوت قابل ملاحظه و معنی‌داری ندارند. لذا فرضیهٔ اول تحقیق، مبنی بر اینکه دانش آموزان پسر شاهد در عملکرد تحصیلی وضعیت بهتری نسبت به دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی دارند، تأیید نشد. با توجه به امکانات موجود در مدارس شاهد و حمایت اجتماعی بنیاد شهید از خانواده‌های شهدا، انتظار می‌رفت که فرضیهٔ اول تأیید گردد. در توجیه این یافته می‌توان به سه دلیل احتمالی اشاره کرد. اول اینکه ممکن است دانش آموزان شاهد بخوبی از امکانات موجود در مدارس شاهد استفاده نکرده باشند. دوم اینکه ممکن است امکانات موجود در مدارس شاهد اصولاً قابل ملاحظه و کافی نباشند. سومین توجیه احتمالی می‌تواند این باشد که به دلیل تفاوت‌های اولیه در سطوح تحصیلی و خانوادگی دانش آموزان شاهد و دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد، دانش آموزان شاهد انگیزهٔ کافی برای رقابت با دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد را

نداشته و در واقع عملاً امکانات موجود در این مدارس بیشتر مورد استفاده دانش آموزان غیر شاهد این مدارس قرار گرفته است.

مقایسه نتایج آماری نشان می دهد که دانش آموزان شاهد، عملکرد تحصیلی پایین تری نسبت به دانش آموزان غیر شاهد مدارس شاهد دارند. این یافته فرضیه دوم تحقیق را که براساس این تفاوت استوار بود، تأیید کرده و با نتایج پژوهشهای نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) و مکارمی و همکارانش (۱۳۷۰) همخوانی دارد. بدینسان، دانش آموزان غیر شاهد مدارس شاهد به لحاظ تحصیلی احتمالاً معرف جمعیت عمومی دانش آموزان نمی باشند، نتیجه ای که سایر پژوهشها نیز صریحاً به آن اشاره نموده اند (به طور نمونه، نجاریان و قلخانی، ۱۳۷۱). علل زیادی برای معرف نبودن دانش آموزان غیر شاهد مدارس شاهد وجود دارد که مهمترین آنها مربوط به ویژگیهای منحصر به فرد و برجسته این آموزشگاههاست که موجب جذب دانش آموزان غیر شاهد می شوند. برخی از خصوصیات و عوامل جذب عبارتند از: امکانات آموزشی مناسبتر (مثل آزمایشگاه)، معلمین مجرب تر، تراکم کمتر دانش آموز در کلاس، برنامه های آموزشی فوق برنامه و جبرانی، سرویس رفت و برگشت، طولانی بودن ساعات آموزش روزانه. بدیهی است که بسیاری از خانواده های غیر شاهد ترجیح می دهند فرزندان خود را به این قبیل مدارس بفرستند، حتی اگر مجبور شوند تلاش زیادی برای ثبت نام فرزندان شان در این مدارس به عمل آورند (نجاریان و قلخانی، ۱۳۷۱). لذا به نظر می رسد که اکثریت دانش آموزان غیر شاهد مدارس شاهد احتمالاً متعلق به خانواده های قشر نسبتاً مرفه اقتصادی جامعه بوده و واجد آمادگیها و خصوصیات فرهنگی - اجتماعی ویژه ای هستند.

بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی تفادیت معنی داری ملاحظه نشد. بر این اساس فرضیه سوم مورد تأیید قرار نمی گیرد. برای توجیه این یافته می توان دو علت احتمالی ذکر کرد:

۱ - دانش آموزان شاهد مدارس شاهد توانسته اند با استفاده از امکانات ویژه و مناسب مدارس شاهد (با وجود شهادت پدر) از عملکرد تحصیلی در سطح دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی برخوردار شوند؛

۲ - پدر نقش تعیین کننده ای در رابطه با عملکرد تحصیلی فرزندان خود ایفا نمی کند.

بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی و دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی تفاوت معنی داری ملاحظه نشد، لذا فرضیه چهارم تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت. توجیه احتمالی این یافته می تواند این باشد که صرف حضور یا فقدان پدر، نقش تعیین کننده ای در عملکرد تحصیلی فرزندان در دوره ابتدایی ندارد. علاوه بر این، احتمالاً در جامعه ما به دلیل وجود روابط عاطفی گسترده افراد دیگری از قبیل عمو، دایی، پدر بزرگ و غیر، جای خالی پدر را برای فرزندان پسر فاقد پدر خانواده تا حد زیادی پر

می‌کنند. از طرفی احتمال دارد که مادر در دوران ابتدایی نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به پدر برای دانش‌آموز ایفا می‌کند و ترکیب نقش اطرافیان نزدیک همچون کودک و نقش فعال مادر، بسیار مهم و حائز اهمیت باشد (به نتایج تحقیق کورتز و فلمینگ، ۱۹۶۸ و هرزوک و سودیا، ۱۹۷۳ مراجعه شود).

مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات دروس مختلف پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی و تحلیل واریانس عاملی عملکرد تحصیلی نشان می‌دهد که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد بهتر از دانش‌آموزان فاقد پدر و دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی می‌باشد و بدین ترتیب فرضیه‌های پنجم و ششم تأیید گردیدند. این یافته احتمالاً ناشی از معرف نبودن دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد می‌باشد که از وضعیت به مراتب بالاتری از سایر دانش‌آموزان گروه‌های جامعه تحقیق برخوردار هستند.

مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات دروس مختلف پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی دانش‌آموزان چهار گروه نشان می‌دهد که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف، نوعی سیر نزولی و منظم داشته به گونه‌ای که معدل هر سال از سال قبل کمتر می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که دروس مختلف با افزایش پایه تحصیلی برای دانش‌آموزان مشکلتر می‌شود.

میانگین و انحراف معیار نمرات دروس مختلف پایه‌های تحصیلی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد، دانش‌آموزان واجد پدر و فاقد پدر مدارس عادی در دروس تاریخ و تعلیمات مدنی، ریاضیات، جغرافیا و علوم تجربی نسبت به سایر دروس ضعیف‌تر هستند. به عبارتی، صرف‌نظر از عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد که به‌رحال معرف جامعه نیست (نجاریان و قلخانی، ۱۳۷۱)، می‌توان به این نتیجه دست یافت که دانش‌آموزان مدارس ابتدایی اهواز رویهم‌رفته در دروس فوق ضعیف می‌باشند و واجد یا فاقد پدر بودن نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در دروس یادشده ندارد.

سابقه تجدیدی دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی نسبت به سایر گروه‌ها فراوانی بیشتری داشت. براساس این یافته دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی نسبت به دانش‌آموزان شاهد، دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی، مشکلات تحصیلی بیشتری دارند. همچنین، این یافته که بین معدل تحصیلی این دانش‌آموزان و دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، با فرضیه‌های شماره ۱، ۴ و ۵ این تحقیق مبنی بر اینکه این دانش‌آموزان از نظر عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر از سه گروه دیگر جامعه تحقیق هستند، انطباق دارد (به نتایج تحقیق استنلر، ۱۹۵۹ مراجعه شود). در همین رابطه، بین دانش‌آموزان شاهد و دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دیده

نشد، در حالی که براساس فرضیه شماره ۳ تحقیق پیش‌بینی می‌شد که از این لحاظ دانش آموزان واجد پدر وضعیت بهتری نسبت به دانش آموزان شاهد داشته باشند.

این یافته که دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی بیشترین موارد مردودی را در بین چهار گروه دارند، غیرمترقبه بود، چرا که براساس فرضیه‌های شماره ۳ و ۴ تحقیق، پیش‌بینی می‌شد که این دانش آموزان عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی داشته باشند. شاید یکی از دلایل یافته اخیر این باشد که نقش مادر در عملکرد تحصیلی دانش آموزان ابتدایی بحدی زیاد است که فقدان یا حضور پدر خیلی اهمیت ندارد، و عوامل دیگر در این رابطه مؤثر هستند.

ضرایب همبستگی بین طول مدت شهادت و معدل پایه‌های تحصیلی دانش آموزان شاهد نشان داد که در سال اول دبستان هر چه طول مدت شهادت (یا فقدان پدر) بیشتر باشد، معدل تحصیلی دانش آموزان مزبور پایین‌تر است. راتر معتقد است از دست دادن یکی از والدین، بخصوص در سنین دو یا سه‌سالگی بسیار زیان‌آور است، زیرا در این دامنه سنی کودک بیشترین وابستگی را به پدر و مادر خود دارد (به نقل از کتاب کودک و فشارهای روانی، تألیف سولاولف، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، ۱۳۶۹، صفحه ۹۶ - ۹۵). ولف نیز معتقد است یتیم شدن کودک در سنین سه یا چهارسالگی، اثرات منفی بیشتری می‌گذارد (به نقل از صفحه ۹۶، همان منبع)، ادعایی که با نظر کوچر^{۳۰} (۱۹۷۴) مبنی بر اینکه کودکان مفهوم مرگ را در سن هفت‌سالگی درک می‌کنند و آن را حادثه‌ای دائمی می‌دانند، انطباق دارد. لیفشیتز^{۳۱} (۱۹۷۷) معتقد است کودکانی که قبل از سن هفت‌سالگی، پدر خود را از دست داده‌اند در آگاهی نسبت به محیط اجتماعی، محدودیت قابل توجهی نشان می‌دهند و ممکن است بیشتر با افکار درونی خود مشغولیت پیدا کنند تا با واقعیت‌های بیرونی. با توجه به این یافته می‌توان نتیجه گرفت که هرچه سن کودک در هنگام محرومیت از پدر کمتر باشد در سنین بالاتر با مشکلات تحصیلی و یادگیری بیشتری مواجه خواهد شد.

نتیجه کلی این تحقیق این است که دانش آموزان شاهد از نظر عملکرد تحصیلی تفاوت معنی‌داری با دانش آموزان فاقد پدر و دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی ندارند. در حالیکه دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد نسبت به سه گروه دیگر جامعه تحقیق از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردارند. بین دانش آموزان واجد پدر و دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی تفاوت معنی‌داری از نظر عملکرد تحصیلی دیده نشد. براساس این یافته می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در دوران ابتدایی احتمالاً نقش مادر تعیین‌کننده‌تر از نقش پدر می‌باشد و لذا ممکن است که خلاء وجودی پدر به وسیله مادر و سایر افراد نزدیک خانواده (از قبیل پدر بزرگ، عمو، دایی و ...) تا حد زیادی پر می‌گردد. نتیجه‌گیری احتمالی دیگر این تحقیق این است که امکانات خوب مدارس شاهد خیلی مؤثر تعیین‌کننده نیستند. برعکس، توجه محتمل دیگر این است که اگر امکانات خوب مدارس

شاهد نبود، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد خیلی بدتر از آنچه که مشاهده شد، می‌بود.

محدودیتها

- ۱- ایده آل این بود که دو گروه کنترل دیگر نیز انتخاب می‌شد: دانش‌آموزان طرح پراکنده شاهد (که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند) برای مقایسه با دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد، و دانش‌آموزان فاقد پدر مشغول به تحصیل در مدارس شاهد (برای مقایسه با دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی). اما به علت تعداد بسیار کم دانش‌آموزان شاهد مشغول به تحصیل در مدارس عادی شهر اهواز و دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس شاهد، بکارگیری دو گروه کنترل مزبور امکان‌پذیر نبود.
- ۲- شایسته بود که علاوه بر استفاده از نمره‌های درسی به عنوان عملکرد تحصیلی، از یک آزمون واحد (یا از یک آزمون میزان‌شده عملکرد تحصیلی) استفاده می‌شد.

پیشنهادها

- ۱- براساس نتایج این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که در خصوص بررسی کم و کیف آثار دقیق مدارس شاهد روی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد، تحقیقاتی گسترده‌تر انجام گیرد.
- ۲- پیشنهاد می‌شود که در نحوه انتخاب دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد که ۶۰٪ از دانش‌آموزان این مدارس را تشکیل می‌دهند، دقت نظر بیشتری صورت گیرد و این دانش‌آموزان از افراد عادی جامعه انتخاب گردند.
- ۳- پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، هوش و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز مورد بررسی قرار گیرد تا علل احتمالی وجود تفاوت‌های بین دانش‌آموزان شاهد با دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان واجد و فاقد پدر مدارس عادی دقیق‌تر بررسی شود.

جدول شماره ۱
میانگین و انحراف معیار سن آزمودنیها

پایه تحصیلی گروهها	سوم	چهارم	پنجم
دانش آموزان شاهد مدارس شاهد	۸/۵۷ (۰/۶۳)	۹/۵۵ (۱/۰۲)	۱۱/۱۰ (۱/۴۰)
دانش آموزان غیر - شاهد مدارس شاهد	۸/۰۷ (۰/۲۵)	۹/۴۷ (۰/۵۸)	۱۰/۴۷ (۰/۵۱)
دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی	۸/۴۸ (۰/۷۴)	۹/۷۳ (۰/۸۷)	۱۱/۲۷ (۱/۲۰)
دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی	۸/۶۴ (۱/۳۳)	۹/۷۲ (۱/۰۳)	۱۱/۲۶ (۱/۴۸)

جدول شماره ۲
میانگین و انحراف معیار معدلهای تحصیلی

پایه تحصیلی گروهها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
دانش آموزان شاهد مدارس شاهد	۱۸/۸۱ (۲/۴۰)	۱۸/۲۰ (۲/۱۸)	۱۷/۷۴ (۲/۴۴)	۱۵/۹۷ (۳/۱۸)	۱۵/۷۰ (۲/۵۶)
دانش آموزان غیر - شاهد مدارس شاهد	۱۹/۹۱ (۰/۲۴)	۱۹/۶۹ (۰/۶۳)	۱۹/۲۹ (۱/۰۴)	۱۹/۰۳ (۰/۸۸)	۱۷/۹۴ (۱/۶۲)
دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی	۱۸/۳۰ (۲/۷۷)	۱۸/۱۲ (۲/۱۹)	۱۷/۲۹ (۲/۴۲)	۱۴/۹۶ (۲/۹۴)	۱۴/۶۱ (۲/۱۶)
دانش آموزان واجد پدر مدارس عادی	۱۸/۸۰ (۱/۹۰)	۱۸/۰۵ (۲/۶۴)	۱۷/۰۵ (۲/۰۳)	۱۵/۴۱ (۳)	۱۵/۴۶ (۲/۴۲)

جدول شماره ۳

خلاصه نتایج تحلیل واریانس عاملی مربوط به عملکرد تحصیلی
گروه‌ها

منابع پراکندگی	مجموع معذورات	درجه آزادی df	MS	F مشاهده شده	(P)
گروهها	۸۱۶/۶۷	۳	۲۷۲/۲۲	۱۱/۳۷	(<۰/۰۵)
پایه‌های تحصیلی	۱۹۷/۲۸	۲	۹۸/۶۴	۲۰۵/۵۲	(<۰/۰۵)
گروهها x پایه‌های تحصیلی	۲۵/۳۹	۶	۴/۲۳	۸/۸۲	(<۰/۰۵)
پراکندگی درون‌گروهی (خطا)	۳۴۱/۷۳	۷۱۲	۰/۴۸		

جدول شماره ۴

خلاصه نتایج آزمونهای توکی مربوط به تحلیل واریانس عاملی
عملکرد تحصیلی گروههای مختلف

پایه تحصیلی	میانگین	گروه	گروهها			
			۳	۴	۱	۲
اول	۱۸/۳۰	۳				
	۱۸/۸۰	۴				
	۱۸/۸۱	۱				
	۱۹/۹۱	۲	*	*	*	
دوم	۱۸/۱۲	۳				
	۱۸/۰۵	۴				
	۱۸/۲۰	۱				
	۱۹/۶۹	۲	*	*	*	
سوم	۱۷/۲۹	۳				
	۱۷/۰۵	۴				
	۱۷/۷۴	۱				
	۱۹/۲۹	۲	*	*	*	
چهارم	۱۴/۹۶	۳				
	۱۵/۴۱	۴				
	۱۵/۹۷	۱				
	۱۹/۰۳	۲	*	*	*	
پنجم	۱۴/۶۱	۳				
	۱۵/۴۱	۴				
	۱۵/۷۰	۱				
	۱۷/۹۴	۲	*	*		

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

گروهها: ۱ شاهد / مدارس شاهد

۲ غیرشاهد / مدارس شاهد

۳ فاقد پدر / مدارس عادی

۴ واجد پدر / مدارس عادی

جدول شماره ۵

ضریب همبستگی بین معدل پایه‌های مختلف تحصیلی و طول مدت شهادت یا فوت پدر در دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و فاقد پدر مدارس عادی

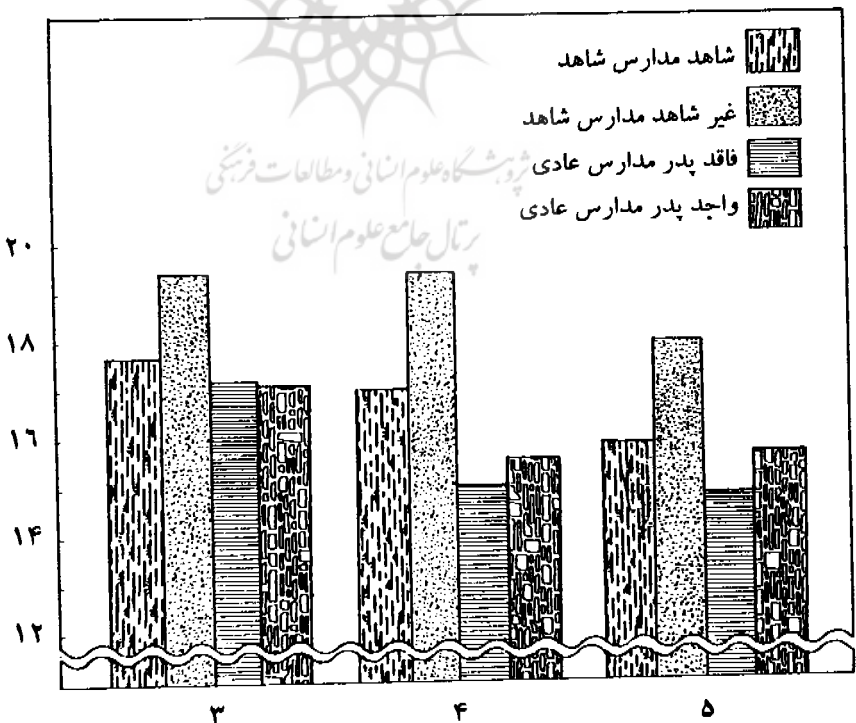
گروهها	دانش آموزان شاهد مدارس شاهد	دانش آموزان فاقد پدر مدارس عادی
پایه تحصیلی اول	-۰/۴۰ * *	-۰/۵۰ * *
دوم	-۰/۰۶	۰/۲۳ *
سوم	-۰/۲۶ *	-۰/۲۲ *
چهارم	-۰/۱۱	-۰/۳۳ * *
پنجم	-۰/۰۱	-۰/۲۴ *

P = ۰/۰۵ *

P = ۰/۰۱ * *

نمودار شماره ۱

نمودار ستونی میانگین معدل پایه‌های تحصیلی گروههای مختلف





- ۱ - Bowlby
- ۲ - Meerloo
- ۳ - Sullivan
- ۴ - Crescimbein
- ۵ - Parish
- ۶ - Taylor
- ۷ - Hetherington
- ۸ - Parke
- ۹ - Stetler
- ۱۰ - Sutherland
- ۱۱ - Chapman
- ۱۲ - Oshman
- ۱۳ - Manosewits
- ۱۴ - Dostal
- ۱۵ - Santrock
- ۱۶ - Blanchard
- ۱۷ - Biller
- ۱۸ - Bain
- ۱۹ - Boersma
- ۲۰ - Gregory
- ۲۱ - Smith
- ۲۲ - Nelsen
- ۲۳ - Mccubbin
- ۲۴ - Collins
- ۲۵ - Herzog
- ۲۶ - Cortes
- ۲۷ - Fleming
- ۲۸ - Sudia



۲۹ - هدف از این شرط که دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد از کلاس اول تا مقطع کنونی را در مدارس شاهد درس خوانده باشند این بوده که تأثیر متغیر مدارس شاهد را که دربرگیرنده امکانات ویژه‌ای نسبت به مدارس عادی می‌باشند، در مقایسه با دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی مورد بررسی قرار گیرد.

- ۳۰ - Koocher
- ۳۱ - Lifshitz

منابع فارسی

- یاقری، خسور و عطاران، محمد (مترجمان) (۱۳۷۰). روان‌شناسی کودکان محروم از پدر. تألیف آدامز، میلنر، شریف، چاپ اول. انتشارات تربیت: تهران.
- بهبادی، مهین (۶۵ - ۱۳۶۴). بررسی وضعیت تحصیلی گروهی از فرزندان معظم شهدا در دوره راهنمایی در مدارس شیراز در سال تحصیلی ۶۵ - ۱۳۶۴. رساله فوق لیسانس، دانشگاه شیراز.
- براهنی، محمدنقی و همکاران (مترجمان) (۱۳۶۷). زمینه روان‌شناسی. تألیف اتکینسون، ریتال، اتکینسون، ریچارد اس، و هیلگارد، ارنست، چاپ اول. انتشارات رشد: تهران.
- سپهوندی، محمدعلی، شکرکن، حسین، لیامی، فاطمه، مرقوه، شهلا (۱۳۶۷). بررسی مسایل و مشکلات تحصیلی، رفتاری، خانوادگی، اجزاعی فرزندان معظم شهدا، اسراء، مفقودین و جانبازان شهرستان اهواز. رساله تحصیلی جهت اخذ لیسانس، تهیه و خلاصه در مرکز مطالعات رفتاری، معاونت مطالعات و تحقیقات معاونت نیروی انسانی نیروی زمینی سپاه پاسداران.
- مکاری، آذر، خندارحیمی، سیامک، پورعوص، عصمت، زحل‌زاده، لیلان و حامدی، عبدالحسین (۱۳۷۰). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس شاهد و مدارس عادی شیراز. مرکز مشاوره پرورشی شاهد: شیراز.
- محدث، علی (۱۳۷۰). کودک و روابط خانوادگی، چاپ اول. انتشارات ایران‌زمین کهن: تهران.
- نجاریان، بهمن و قلخانی، شهناز (۱۳۷۱). اثرات ازدست‌دادن پدر روی سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی مدارس شاهد اهواز. مقاله ارائه‌شده در دومین کنفرانس بهداشت روانی انجمن روان‌شناسی انگلیس، دانشگاه کیل. ۲۸ لغایت ۳۰ سپتامبر.
- نجانی، حسین (۱۳۷۱). نقش تربیتی پدر در خانواده، چاپ اول. انتشارات چاپار فرزنانگان: تهران.

منابع انگلیسی

- Blanchard, R.W. and Biller, H.B. (1971). Father availability and academic performance among third - grade boys. *Developmental Psychology*, Vol. 4, 301 - 305.
- Bain, H.C., Boersma, F.J. and Chapman, J.W. (1983). Academic Achievement and locus of control in father absent. *Eiementary School Children*. *School Psychology International*, Vol. 4, 69 - 78.
- Chapman, M. (1977). Father absence, sbsence, stepfather, and the cognitive performance of college students. *Child Development*, Vol. 48, 1155 - 1158.
- Cortes, C.F. and Fleming, E.S. (1968). The effects of father absence on the abjstment of culturally disadvantaged boys. *Journal of Special Education*, Vol. 2, 413 - 420.
- Crescimbein, J. (1965). Broken homes do affect academic achievement. *Child and Family*. 4(2), 24 - 28.
- Gregory, I. (1965). An introspective data following chilhood loss of parent delinquency and high school dropout. *Archives of General psychiatry*, Vol. 13, 99 - 109.
- Herzog, E. and Sudia, C.E. (1973). Children in father - less families. In B.M. Baldwin and H.N. Ricciuti. *Review of Child Development Research*. Vol. 3, 177 - 182.

- Hetherington, E.M. and Parke, R.D. (1975). *Child Psychology*, McGraw - Hill: New York.
- Lancaster, W.W. and Richmond, R.O. (1983). Perceived locus of control as a function of father - absence, age, and geographic location. *Journal of Genetic Psychology*, Vol. 143, 51 - 56.
- Oshman, H.P. and Mancseviz, M. (1976). Father absence: Effects of stepfathers upon psychological development in males. *Developmental psychology*, Vol. 12, 479 - 480.
- Parish, T.s. and Dostal, J.W. (1980). Evaluation of self and parent figures by children from intact, divorced, and reconstituted families. *Journal of Youth and Adolescence*. Vol. 8, 427 - 432.
- Parish, T.s. and Taylor, J.C. (1979). The impact of divorce and subsequent father absence on children's and adolescent's self - concept. *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 8, 427 - 432.
- Santrock, K.J.W. (1972). The selections of type and onset of father absence to cognitive development. *Child Development*, Vol. 43, 455 - 469.
- Sutherland, H.E.G. (1930). The relationship between IQ and size of family in the case of father - less children. *Journal of Genetic Psychology*, Vol. 38, 161 - 170.
- Stetler, H.G. (1959). Comparative study of Negro and white dropouts in selected Connecticut high schools. State of Connecticut Commission on Civil Rights (Eric Document Reproduction Service No. Ed 020211).